

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حقیقت و ادب طهارت در نماز

کتاب مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة منسوب به امام صادق علیه السلام است که ظاهراً یکی از شاگردان و صحابه‌ی آن حضرت، با بهره‌گیری از آموزه‌های عارفانه‌ی امام صادق علیه السلام، آن را تدوین کرده است و کتاب بسیار عظیم و ارزشمندی است که مطالعه‌ی آن را به همه‌ی دوستان تأکید کردم. قرار گذاشتیم در شرح هر بخش از نماز، آنچه که در کتاب مصباح الشریعه در آن مورد ذکر شده است را بخوانیم. با توجه به این که بحث طهارت را تا حدودی گفتیم؛ این مبحث را از مصباح الشریعه می‌خوانیم تا ببینیم آن حضرت در بیانات عارفانه‌ی خود در مورد بحث طهارت، که شخص مُصَلِّی باید در آستانه‌ی نماز اختیار کند؛ چه می‌فرمایند.

«قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا أَرَدْتَ الطَّهَارَةَ وَالْوُضُوءَ» امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: وقتی قصد کردی تطهیر کنی و وضو بگیری؛

«فَتَقَدَّمْ إِلَى الْمَاءِ تَقَدُّمَكَ إِلَى رَحْمَةِ اللَّهِ» رفتن تو به سوی آب، همانند رفتن به سوی رحمت حق باشد. همان‌گونه که به سوی رحمت الهی می‌روی؛ برای وضو به سمت آب برو. پس در ظاهر کار، فرد برای این که تطهیر کند و وضو بگیرد؛ به سمت آب می‌رود. اما باطن امر چیست؟ برای طهارت اختیار کردن و وضو گرفتن به سمت اقیانوس بی‌کرانه‌ی رحمت حق می‌رود.

«فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ جَعَلَ الْمَاءَ مِفْتَاحَ قُرْبَتِهِ وَ مُنَاجَاتِهِ وَ دَلِيلًا إِلَى بَسَاطِ خِدْمَتِهِ» چرا که خدای متعال آب را کلیدی برای تقرّب جستن و نزدیک شدن به خود قرار داده است. کلیدی برای نجوا و مناجات با خود، و دلیل و راهبر و راهنمایی برای بساط خدمت خویشتن قرار داده است. آب چنین چیز بزرگی است. کلید قرب و مناجات خدا و دلیل و راهنمای بساط خدمت خدا است.

«وَمَا أَنْ رَحْمَةً اللَّهِ تُطَهِّرُ ذُنُوبَ الْعِبَادِ كَذَلِكَ النَّجَاسَاتُ الظَّاهِرَةُ يُطَهِّرُهَا الْمَاءُ لَا غَيْرُ» همان گونه که رحمت الهی قلبها و دل‌های آلوده به گناه بندگان را تطهیر و پاک می‌کند؛ نجاسات ظاهری را هم فقط آب تطهیر و پاک می‌کند. یعنی وقتی می‌روی بدن خود را با آب تطهیر کنی، یادت باشد باید قلبت را هم با آب رحمت حق تطهیر کنی.

«قَالَ اللَّهُ تَعَالَى! وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا»^۱ خدای متعال در کتاب عظیم خود می‌فرماید: این خداست که بادها را بشارت‌دهنده‌ی پیشرو رحمت خویش قرار داد و خدای متعال آب را که پاک و طاهر و مایه‌ی طهارت و پاکی است؛ از آسمان فرو فرستاد. «وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى! وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا فَلَا يُؤْمِنُونَ»^۲ و خدای متعال در قرآن فرمود: ما از آب، هر چیز زنده‌ای را قرار دادیم. پس آب هم طاهر و طهور است و هم مایه‌ی حیات و زندگی است. «أَفَلَا يُؤْمِنُونَ» آیا ایمان نمی‌آورید؟

امام صادق علیه‌السلام بعد از استشهاد به این دو آیه فرمودند: «فَكَمَا أَحْيَا بِهِ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ نَعِيمِ الدُّنْيَا كَذَلِكَ بِرَحْمَتِهِ وَفَضْلِهِ جَعَلَ حَيَاةَ الْقُلُوبِ بِالطَّاعَاتِ»: همان گونه که خدای متعال حیات و زنده بودن هر چیز از نعمت‌های دنیوی را از طریق آب محقق نمود و چیزها را با آب زنده کرد؛ همان گونه خدای متعال باب رحمت و فضل خود و حیات و زنده شدن قلبها را با طاعت خویش قرار داد. همان گونه که آب مایه‌ی زنده بودن موجودات عالم طبیعت است؛ طاعت حق مایه‌ی زنده شدن قلبها و دل‌های اهل طاعت است.

«فَتَفَكَّرْ فِي صَفَاءِ الْمَاءِ وَرِقَّتِهِ وَطُهْرِهِ وَبَرَكَتِهِ وَلَطِيفِ امْتِزَاجِهِ بِكُلِّ شَيْءٍ» حال که کنار آب آمدی و می‌خواهی با آن وضو بگیری؛ کمی در مورد صفایی که آب زلال دارد، در مورد لطافت، طهارت، برکت و در مورد ممزوج شدن لطیف آب با هر چیز، که چگونه با هر چیز به راحتی ممزوج می‌شود، فکر کن. حضرت فرمودند اندکی به هر کدام از این نکته‌ها فکر کن و ببین در هریک از اینها چه درس‌های بزرگی است. صفای این آب، چه صفایی را به تو می‌آموزد؟ رِقَّت

۱. سوره‌ی فرقان، آیه‌ی ۴۸.

۲. سوره‌ی انبیاء، آیه‌ی ۳۰.

این آب، چه رقت قلبی را به تو الهام می کند و می آموزد؟ برکت این آب با تو چه می گوید؟ و این که چقدر راحت با هر چیز ممزوج می شود و درمی آمیزد؛ این به تو چه درسی را در زندگی می آموزد؟ در مورد اینها فکر کن.

«وَ اسْتَعْمِلُهُ فِي تَطْهِيرِ الْأَعْضَاءِ الَّتِي أَمَرَكَ اللَّهُ بِتَطْهِيرِهَا» و آب را برای تطهیر عضوهایی که خدای متعال، به تطهیر آنها با آب در هنگام وضو، امر کرده است؛ به کار ببند.

«وَ آتِ بِأَدَائِهَا فِي فَرَائِضِهِ وَ سُنَنِهِ» و به همه ی آداب وضو، چه آداب واجبش که فریضه است، چه آداب مستحبّ وضو که سنت های وضو است، عمل کن.

«فَإِنَّ تَحْتَ كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهَا فَوَائِدٌ كَثِيرَةٌ» چرا که زیر هر کدام از این نکات واجب یا مستحب که در وضو است؛ فایده های بسیار فراوانی نهفته است.

«فَإِذَا اسْتَعْمَلَهَا بِالْحَرْمَةِ انْفَجَرَتْ لَكَ عِيُونُ فَوَائِدِهِ عَنْ قَرِيبٍ» اگر تو این دستورالعمل های فراوانِ واجب و مستحب را که در وضو وجود دارد، به کار ببندی؛ به زودی چشمه های فواید و بهره های نهفته ی در آنها گشوده می شود و فوّران خواهد کرد و تو از آنها بهره مند می شوی. اگر می خواهی از آن فواید بهره مند شوی؛ باید آنها را به کار ببندی.

سپس حضرت فرمودند همان گونه که آب با همه چیز به راحتی ممزوج می شود؛ تو هم به همان راحتی با مردم قاطی شو. «ثُمَّ عَاشِرٌ» به همان راحتی و سهولت که آب با چیزها ممزوج می شود، تو با مردم معاشرت کن.

«يُودَى كُلُّ شَيْءٍ حَقَّهُ وَ لَا يَتَغَيَّرُ عَنْ مَعْنَاهُ» آب را ببین که چگونه به راحتی حقّ هر چیزی را ادا می کند؛ اما خودش از آب بودن دست برنمی دارد. یعنی اِصَالَتِ خود را حفظ می کند. تو هم همین گونه با مردم معاشرت کن؛ آمد و شد داشته باش؛ ارتباط برقرار کن؛ حقّ هر کدام را ادا کن؛ اما نکند اِصَالَتِ خودت را از دست بدهی! آب را ببینید که چگونه با هر چیزی ممزوج می شود؛ ولی H₂O بودنش سر جایش است. هر چیزی در آن حل می شود؛ با هر چیزی ممزوج می شود؛ اما آب بودن خود را از دست نمی دهد. آب را ببینید که در هر ظرفی بریزید؛ به شکل

آن درمی‌آید. در یک لیوان بریزید؛ به شکل لیوان در می‌آید. در پارچ بریزید؛ به شکل پارچ در می‌آید. در استخر بریزید؛ به شکل استخر در می‌آید. هیچ شکنندگی بی ندارد؛ حالت درگیری ندارد. به راحتی به شکل آن فضا درمی‌آید؛ اما اصالت خود را از دست نمی‌دهد. آب بودن خود را از دست نمی‌دهد. مؤمن هم این‌گونه است؛ در هر محیط، با هر شرایطی که داشته باشد، وارد شود؛ به راحتی در آن محیط جا می‌افتد؛ اما این سبب نمی‌شود اصالت ایمانی خود را از دست دهد. با حفظ اصالت خود، می‌تواند به راحتی با همه معاشرت کند. حضرت فرمودند وقتی وضو می‌گیری؛ این درس را از آب بیاموز.

«مُعْتَبِرًا لِقَوْلِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَثَلُ الْمُؤْمِنِ الْمُخْلِصِ كَمَثَلِ الْمَاءِ» حضرت فرمودند: از این سخن رسول الله عبرت بگیر که پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: "مثال مؤمن مخلص، مثال آب است." مؤمن مخلص مثل آب، زلال است؛ مثل آب، لطیف است؛ مثل آب، بدون این‌که ایمان خود را ببازد و اصالت خود را از دست دهد؛ با همه معاشرت می‌کند. سپس حضرت فرمودند:

«وَلْتَكُنْ صَفْوَتُكَ مَعَ اللَّهِ تَعَالَى فِي جَمِيعِ طَاعَتِكَ كَصَفْوَةِ الْمَاءِ حِينَ أَنْزَلَهُ مِنَ السَّمَاءِ وَ سَمَاءُ طَهُورًا» در همه‌ی طاعت‌هایت که برای خدای متعال به جا می‌آوری؛ صفای باطنت را مثل صفای آبی قرار بده که از آسمان می‌بارد و پاک پاک است و خدای متعال آن آب را طَهُور نامیده است. این‌گونه با خدا باصفا باش؛ بی شیله‌پيله، بی‌دورنگی و دورویی، بی‌قصد و غرض، بی‌خودنمایی و ریا، خالص خالص باش. صدق و صفای در رابطه با خدا را از آب بیاموز؛ هنگامی که خدا آب را از آسمان فرو می‌فرستد؛ چقدر صاف و بی‌آلایش است! چقدر زلال است! چقدر ظاهر و باطنش یکی است! چقدر پاک و نیالوده است! تو هم هنگام عبادت با پروردگارت این‌گونه باش.

«وَطَهَّرْ قَلْبَكَ بِالتَّقْوَى^۱ وَ الْيَقِينِ^۲ عِنْدَ طَهَارَةِ جَوَارِحِكَ بِالْمَاءِ^۳» هنگامی که اعضا و جوارح خویش را با آب تطهیر می‌کنی و وضو می‌گیری؛ همزمان، قلب خود را نیز با تقوا و یقین تطهیر کن.

۳. امام صادق علیه‌السلام، مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة، باب ۱۰، فی الطهارة.

یعنی وضو فقط وضوی بدن با آب نیست؛ بلکه قلبت هم باید با تقوا وضو بگیرد. خود تقوا هم دارای مراتبی است. از تقوای ظاهری که آلوده نشدن به معصیت است شروع می‌شود تا مراتب بلندتر تقوا؛ تقوای نفس که آلوده نشدن به خُلق زشت و اخلاق ذمیمه است؛ تقوای دل که آلوده نشدن و تعلق نداشتن به غیر خدا است. حضرت فرمودند وقتی بدن و جسمت با آب وضو می‌گیرد؛ قلبت هم با تقوا و یقین وضو بگیرد. یقین بالاترین مرتبه‌ی ایمان است.

این جملات خوب به ما می‌فهماند که وضو فقط همین عمل ظاهری‌یی که انجام می‌دهیم نیست؛ حقایق بلندی در وضو نهفته است که باید آنها را فراگرفت و بهره برد. یعنی وقتی انسان وضو می‌گیرد؛ در صفای آب فکر کند و با خدای خود اهل صفا شود؛ اهل صدق و راستی شود؛ دست از نفاق و چندرنگی بردارد. اگر ادعای ایمان کرد؛ به اقتضای ایمان هم رفتار کند. اهل صدق باشد؛ "صدق پیش آر که اخلاص به پیشانی نیست."

حافظ اگر قدم زنی در ره خاندان، به صدق بدرقه‌ی رهت شود همتِ شهنه‌ی نجف

یعنی اگر در راه بندگی حضرت حق، اهل صدق باشی؛ همت امیرالمؤمنین علیه‌السلام بدرقه‌ی راهت خواهد شد. با صدق و صفا در راه بندگی خدا قدم بزن و همه‌ی مراتب اخلاص را، که دارای مراتب متعددی است، در جان خود مستقر ساز. پس مؤمن وقتی به سراغ آب می‌رود؛ باید از آب بیاموزد که در مسیر بندگی خدا مانند آب زلال و خالص باشد و با بندگان خدا هم با اخلاص رفتار کند و اهل دورویی و دورنگی نباشد. هم در راه حق متعال و هم در راه خلق، از اعمال و اراده‌ی خود بگذرد و خود را کاره‌ای نبیند. حول و قوه‌ای برای خود نبیند. در وضو، این که دست‌هایتان را می‌شوید، یعنی خود را از فاعلیت می‌شوید. هیچ هنر و توانایی و حول و قوه‌ای را به خود نسبت نمی‌دهید. به جزئیات وضو که رسیدیم؛ به اینها اشاره می‌کنیم. از سوی دیگر انسان راجع به آبی که با آن وضو می‌گیرد، فکر کند که این آب چگونه مایه‌ی حیات و زنده شدن موجودات عالم طبیعت است. من هم مایه‌ی زنده شدن باشم. چرا دل‌ها را می‌میرانم؟ چرا مایه‌ی حیات و اصلاح نباشم؟ چرا مایه‌ی کمال نباشم؟ آب، هم زنده می‌کند؛ هم اصلاح می‌کند؛ هم می‌رویاند. من هم در جامعه همین نقش‌ها را با خلق خدا داشته باشم؛ یعنی هم انسان‌ها را تطهیر کنم؛ هم دل افراد غم‌دیده را شاد و زنده کنم؛ انسان‌هایی که اهل

دوری و غفلت از خدایند را متذکر شوم و دلشان را با یاد خدا و با معارف بلند الهی زنده کنم. من هم مثل آب شوم. چگونه آب مایه‌ی طهارت و زنده شدن است؛ مایه‌ی رویدن است؛ من هم مایه‌ی رویش افراد شوم؛ نه مایه‌ی سرکوب و خفه کردن افراد. باعث رشد و تعالی افراد شوم. اینها درس‌های وضو است. اینها وقتی است که ما تازه به آب نگاه کرده‌ایم و می‌خواهیم شروع به وضو گرفتن کنیم. وضو عملی است که روحی دارد. همان‌طور که پیشتر گفتیم؛ اگر روح عبادات را از آنها بگیریم، از عبادات یک پیکر بی‌جان باقی می‌ماند که هیچ کارایی و خاصیتی ندارد. اگر وضو می‌گیری قُرْبَةً اِلَى اللّٰهِ بگیر؛ اگر نماز می‌خوانی قُرْبَةً اِلَى اللّٰهِ بخوان؛ اگر روزه می‌گیری قُرْبَةً اِلَى اللّٰهِ بگیر؛ یعنی همه‌ی اینها برای این است که تو را به قُرب خدا برساند. اینها وقتی می‌توانند تو را به قُرب خدا برسانند که زنده باشند؛ در آنها روح باشد. فقط عمل ظاهری نباشند. روزه فقط دهان بستن از خوردن و آشامیدن نباشد. نماز فقط چهارتا ذکر و دو لا و راست شدن نباشد. روح در آنها باشد تا بتوانند چنین تأثیری بگذارند؛ چنین مایه‌ی حیات و تقرب اِلَى اللّٰهِ باشند.

به بحث وضو نزدیک‌تر شویم و به جزئیاتی از بحث وضو توجّه مختصری کنیم. شما در وضو صورت خود را می‌شوئید؛ چرا؟ چون این صورت به غیر خدا رو کرده است. این صورت به غیر خدا و به دنیا توجّه و اقبال کرده است؛ لذا باید شسته شود. چراکه شایستگی ملاقات با خدای متعال را ندارد. چشمی که غیر خدا را دید؛ گوش‌ی که سخن و صدای غیر خدا را شنید؛ زبانی که با غیر خدا حرف زد؛ اینها را باید شست؛ لذا در وضو صورت را می‌شوئیم. دست‌ها را هم در وضو می‌شوئیم؛ چرا؟ چون این دست‌ها برای غیر خدا کار کرده است؛ کار دنیا کرده است. اینها باید شسته و پاک شود. دست‌هایی که برای غیر خدا کار کرده است، برای نفس کار کرده است؛ برای دنیا کار کرده است؛ برای خلق کار کرده است؛ باید شسته شود. لذا در وضو دست را می‌شوئید. در وضو سر را مسح می‌کشید؛ چرا؟ چون به غیر خدا فکر کرده است. با مسح کشیدن، سر را از اندیشیدن به غیر خدا و از فکر کردن در مورد دنیا، پاک می‌کنید. در وضو پاها را مسح می‌کنید؛ چرا؟ چون پا به سمت دنیا رفته است و قدم به سوی دنیا برداشته است؛ در پی دنیاطلبی‌ها گام زده است؛ به سمت غیر خدا رفته است؛ لذا این پاها باید پاک شود تا

شایستگی ایستادن در برابر خدا پیدا کند. صورت را می‌شوئید؛ چون باید شایستگی رو کردن به خدا و سجده کردن در پیشگاه حضرت حق را پیدا کند. دست‌ها را می‌شوئید؛ چون در نماز می‌خواهید با این دست‌ها قنوت بخوانید و دعا کنید. این دستِ آلوده‌ی به همه‌ی آلودگی‌ها کجا شایستگی دراز شدن در پیشگاه خدا را دارد؟ در نتیجه باید شسته شود. پاها را می‌شوئید؛ مسح می‌کنید؛ چون می‌خواهید با این پاها در پیشگاه خدا بایستید و بنشینید. پاها باید پاک باشد تا شایستگی قیام و قعود در محضر الهی را پیدا کند. غسل از این هم بالاتر است؛ در غسل، چون انسان بیشتر در عالم طبیعت فرورفته و بیشتر به حیوانیت میل کرده است؛ باید همه‌ی بدن شسته شود. باید همه‌ی وجود شسته شود. تطهیر همه‌ی بدن لازم است. در تیمم با خاک، شما از تکبر، آنانیت، خودبزرگ‌بینی، خودبینی، عجب، غرور، فخر و کبر، پاک و مطهر می‌شوئید؛ و برای حضور در پیشگاه خدا شکستی بیشتری پیدا می‌کنید.

در کوی ما شکسته دلی می‌خرند و بس بازار خودفروشی از آن سوی دیگر است

فرمود: «أَنَا عِنْدَ الْمُنْكَسِرَةِ قُلُوبُهُمْ^۴» من خدا نزد دل‌های شکسته‌ام. برای این شکستگی، خضوع و فروتنی در پیشگاه حق، امر شد دست‌ها را به خاک بزن و صورتت را با دست خاک‌آلود مسح کن تا به فروتنی لازم برای حضور در محضر حق متعال نایل شوی.

گفتیم که هم آب و هم خاک طهور است. قرآن فرمود: «وَ أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا^۵» از آسمان آبی طهور فرو فرستادیم. پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز فرمودند: «جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَ طَهُورًا^۶» زمین برای من رسول الله هم سجده‌گاه قرار داده شد؛ هم مسجد است و هم طهور. پس هم آب طهور قرار داده شد و هم خاک؛ هر دو طهورند؛ هر دو پاک و پاک‌کننده‌اند. همان‌طور که ظاهر را با آب یا با خاک، با وضو یا با تیمم، تطهیر می‌کنیم؛ باید باطن را هم تطهیر کرد. یعنی باید با آب رحمت حق و تراب ذلّ عبودیت و مسکنت و فقر در پیشگاه خدا،

^۴. شهید ثانی، منیة المرید، ص ۱۲۳.

^۵. سوره‌ی فرقان، آیه‌ی ۴۸.

^۶. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۵۰.

باطن خویش را هم تطهیر کرد؛ تا روح وضو و تیمم در کالبد ظاهری آنها دمیده شود و طهارت لازم برای حضور در پیشگاه حق متعال فراهم گردد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ
فَرَجَهُمْ